

پشت‌پیشخوان

این بار می‌خواهیم از روند شروع کار هنرجویان در بازار کار بگوییم. هستند صاحبان مشاغلی که سعی می‌کنند نیروی کار خود را از میان کسانی انتخاب کنند که در هنرستان‌ها با مباحث شغلی آشنا شده‌اند.
این بار می‌خواهیم به سراغ یکی از افرادی برویم که در سالیان اخیر در کافی‌شاپ خود تعداد زیادی از کارآموزان فارغ‌التحصیل از هنرستان‌های هتلداری را به کار گرفته و با ما هم‌کلام شده است تا از تجربه‌های همکاری با این افراد تازه‌کار سخن بگوید.
این شما و این ماحصل صحبت‌های ما با آقای **عباس لقمانی** در کنج دنج کافه:

در ابتدا به این شغل به‌عنوان کار تمام وقت نگاه نمی‌کردم، اما رفته‌رفته و با گذشت زمان متوجه شدم این کار بسیار زمان‌بر است. در عمل هدف اصلی من به حاشیه رفت و کار کافه تبدیل شد به یک کار تمام وقت. این داستان ورود من به این شغل بود.
هر انسانی برای خودش جهانی دارد و شناخت این جهان‌ها و انسان‌ها برای من لذت‌بخش است. پس از آن، با توجه به روحیات خودم و اینکه به شناخت جهان‌های گوناگون علاقه‌مندم، در این شغل ماندگار شدم.

🗨️ نفراتی که تا به حال برای کارآموزی به سراغ شما آمده‌اند و مشغول به کار شده‌اند چطور شما را شناخته‌اند؟ از چه راهی با شما آشنا شدند؟

من از طرف هنرستان با آن‌ها آشنا می‌شدم. یکی از مشتریان ما مربی این رشته بود و به‌واسطه شناختش، افراد مد نظر ما را به کافه معرفی می‌کرد. نفراتی را که معرفی می‌شدند، در زمینه‌های کاملاً متفاوت به کار

🗨️ اصلاً چه شد که کافی‌شاپ راه‌اندازی کردید و به سراغ این حرفه رفتید؟

راه‌اندازی کافی‌شاپ به یکی از انگیزه‌های شخصی من برمی‌گردد. سوای بحث روزنامه‌نگاری که در آن فعالیت می‌کنم، رشته اصلی تحصیلی و دانشجویی من پژوهشگری و جامعه‌شناسی بود. تحقیق‌ها و پژوهش‌هایی که می‌خواستم انجام دهم، به فضایی نیاز داشت که برای تحلیل مناسب باشد. غیر از بحث پژوهش‌های میدانی که باید انجام می‌گرفتند، باید آن پژوهش‌ها را در فضایی برای تحلیل و بررسی باز می‌کردم. در فضای خانه محیط مناسبی برای کار وجود نداشت و نمی‌توانستم روی کار تمرکز کافی داشته باشم و معمولاً کارفرماها فضایی مجزا برای انجام کار ارائه نمی‌دادند. پس به کافه می‌رفتم و به همراه دوستانم شروع به کار می‌کردم.

از این نقطه بود که تصمیم به تأسیس مکانی گرفتم برای انسان‌هایی که می‌خواهند در محیطی دوستانه و با آرامش کارهای خود را پیش ببرند. فضای مد نظرم برای پژوهش، محیطی ساکت همانند کتابخانه نبود. از سوی دیگر می‌خواستم آرامش کامل را برای فرد فراهم کند.



می‌گرفتم. «سالن کار یا کمک‌باریستا یا حتی ظرف‌شور». هر کدام با توجه به توانایی‌هایشان در موارد گوناگون کار می‌کردند.

☞ برای نیروهایی که می‌خواستید در کافه کار کنید چه اولیوی برای استخدام داشتید؟

برای جایگاه‌هایی مانند باریستایی (قهوه‌چی) و آشپزی قطعاً به نیروی متخصص نیاز است، اما در کنار این‌ها، کافه به انسان‌هایی جوان و پر انرژی نیاز دارد که می‌خواهند یاد بگیرند و از صفر شروع کنند؛ کسانی که می‌آیند و الفبای کار را می‌آموزند. کار کافه برای من بسیار جدی است و باید فضای آن را شناخت، چیزی که بسیار مهم است، داشتن روحیه کار در کافه است؛ یعنی داشتن روحیه هیجان‌طلبی؛ همان روحیه‌ای که باعث می‌شود کسی در ابتدا به‌عنوان کارگر خدماتی وارد شود و بتواند با گذاشتن انرژی لازم به باریستا(قهوه‌چی) کامل تبدیل شود.

چیزی است که به روان‌شناسی اجتماعی نیاز دارد و این افراد معمولاً با این قضیه نا آشنا هستند.

☞ موضوع هوش اجتماعی مسئله مهمی است که در خانواده‌ها نادیده گرفته شده است. نظر شما چیست؟ آیا کارآموزهایی داشته‌اید که در حد مناسبی برای دانستن این شیوه‌نامه‌ها باشند؟

من کارآموزهای زیادی داشته‌ام که تقریباً هیچ‌کدام نتوانسته‌اند انتظارات مرا در موضوع هوش اجتماعی برآورده کنند. البته هنوز جو مقصر نیست، چون در این باره نظام آموزشی دید متفاوتی به ما داده است و همه چیز بر اساس سیستم‌های نظری و رتبه‌بندی افراد بر اساس نمرات شکل گرفته است.

☞ پس هر کدام از بچه‌ها در زمینه‌هایی مشغول بودند. چند درصد این بچه‌ها اشتیاق به کار را بروز دادند و موفق به ماندگاری در کافه و ادامه کار شدند؟

درصد زیادی، نزدیک به پنجاه درصد ماندگار شدند. دسته‌ای که رفتند، اکثراً به دلیل ممنوعیت‌های خانوادگی، با توجه به ساعات کاری کافه ماندگار و سازگار نشدند.

☞ بچه‌هایی که حالا در حال تحصیل اند چگونه؟ چه پیشنهادی برای آن‌ها دارید؟ بهتر است در رشته‌های دبیرستانی درس بخوانند یا هنرستان؟

بستگی به علاقه‌شان دارد و موضوعی نیست که برای همه ثابت باشد. شاید یک نفر عاشق مکانیکی و ماشین‌آلات باشد! پس نیاز نیست به سراغ درس‌های دیگر برود. اگر کسی هم می‌خواهد رشته نظری و مثلاً داروسازی بخواند، بهتر است با هدف و برنامه تلاش کند تا به اهدافش برسد. از نظر من علوم و فنون در کنار هم می‌توانند راه‌گشا باشند و تکیه صرف بر آموزه‌ها فقط ما را از بازار کار جدا می‌کند.

☞ در مورد بچه‌هایی که ماندگار شدند چه نظری دارید؟ آن‌ها موفق شدند؟

بله. کاملاً. بسیاری از نیروهای جوان من ادامه دادند و پیشرفت کردند و الان نیروی متخصص محسوب می‌شوند. نیروی کار خارج از کارآموز هتلداری هم داشته‌ام که مباحث نظری را از راه‌های گوناگون آموزش دیدند. شبکه‌های مجازی در تربیت این افراد نقش زیادی داشتند. به نظرم مسیر درستی برای آن‌ها بوده است.

☞ این همه سال افراد زیادی به‌عنوان کارآموز وارد کار شده‌اند. اگر امروز یک نفر جدید بیاید و بخواهد شروع به کار کند، اولین چیزی که از او می‌پرسی، چیست؟ چه نکته‌ای برای او داری؟

☞ پیشنهادت برای این دسته چیست؟

قطعاً در مدت کم مشخص نمی‌شود چه باید کرد. من همیشه چندین روز به‌صورت آزمایشی به بچه‌ها فرصت می‌دهم تا متوجه توانایی‌های آن‌ها بشوم و در ادامه ماجرا بتوانم مسیر کاری‌شان را پیش‌بینی کنم و به آن‌ها آموزش‌های کاری را بدهم. همین‌طور آن‌ها با فضا و شرایط آشنا شوند و درکی از این شغل پیدا کنند. همیشه به بچه‌ها آموزش پله‌پله را گفته‌ام. یعنی از ظرف شستن و کارهای خدماتی کوچک شروع کرده‌اند و آرام‌آرام وارد باریستایی و آشپزی شده‌اند.

☞ نظام آموزشی ما برنامه‌هایی برای افزایش شناخت دانش‌آموزان نسبت به رشته‌های هنرستانی دارد و این برنامه‌ها منجر به انتخاب هنرستان از طرف دانش‌آموزان شده است. آیا خروجی این برنامه‌ها و تلاش‌ها در ارتباط با یادگیری حرفه‌ها در محیط آموزشی، مؤثر بوده است؟

ما کارآموزهای زیادی از هنرستان هتل‌داری گرفته‌ایم و هنوز هم در حال تربیت نیروی کار خوب از این رشته هستیم. اما در مقوله تحصیلی و هنرستان، بیشتر افراد صرفاً موضوعات نظری را یاد می‌گیرند و برای کارهای عملی که بسیار مهم است، معمولاً ضعیف‌ترند. نیاز است با این فارغ‌التحصیلان به صورت میدانی همکاری کرد.

برای همین است که من دوست دارم کارآموزان این رشته بیشتر به کار عملی رو بیاورند و آموزش را درست‌تر و کامل‌تر بیاموزند. معمولاً مباحث نظری خیلی با فضای عملی کار تفاوت دارد و این چیزی است که نیروی کار و هنرجو را از هم جدا می‌کند. نحوه برخورد با مشتری

اگر روزی نویسنده شدید و خواستید از کتابتان رونمایی کنید یا ساعتی را در یک جلسه شعرخوانی، شاهنامه‌خوانی یا نمایشنامه‌خوانی شرکت کنید، کافه فضای خوبی برای برگزاری جلسات فرهنگی است. بسیاری از کافه‌ها در ساعاتی که از قبل خبر می‌دهند، جلسات تحلیل فیلم، نقد شعر، داستان‌خوانی و مسابقه شطرنج و... برگزار می‌کنند. کتاب‌ها و کتابخانه یکی از بخش‌های اصلی تزئین بسیاری از کافه‌ها است. اگر به فضایی آرام برای کتاب خواندن یا کار کردن نیاز دارید کافه‌ها فضای خوبی برای مطالعه هستند.